بسم الله الرحمن الرحيم

تأملاتی پیرامون آزادی بیان؛

حمایت از حق آزادی بیان در رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر

دومینیکا بایچاوسکا ـ سینیارسکا

دیباچهٔ تفصیلی، برگردان و پژوهش

دکتر مصطفی فضائلی

دانشیار حقوق بین‌الملل دانشگاه قم

موسی کرمی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه قم

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران ـ ۱۳۹۹

سرشناسه	:	سینیارسکا، دومینیکا بایچاوسکا ، -
عنوان و نام پدیدآور	:	تاملاتی پیرامون آزادی بیان؛ حمایت از حق آزادی بیان در رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر/ دومینیکا بایچاوسکا سینیارسکا ؛ دیباچه تفصیلی، برگردان و پژوهش مصطفی فضائلی، موسی کرمی.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۲۶۹ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۰۹۴-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	عنوان اصلی: .Protecting the Right to Freedom of Expression in the ,2017 Jurisprudence of European Commission and Court of Human Rights
موضوع	:	دادگاه اروپایی حقوق بشر
موضوع	:	European Court of Human Rights
موضوع	:	آزادی بیان
موضوع	:	Freedom of expression
موضوع	:	حقوق بشر -- اروپا
موضوع	:	Human rights -- Europe
موضوع	:	حقوق مدنی --اروپا
موضوع	:	Civil rights -- Europe
شناسه افزوده	:	فضائلی، مصطفی، ۱۳۳۹ -، مترجم
شناسه افزوده	:	کرمی، موسی، ۱۳۶۷ -، مترجم
رده بندی کنگره	:	JC۵۹۹
رده بندی دیویی	:	۳۲۳/۱۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۲۳۷۸۴۴

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

www.**shahredanesh**.com

عنوان: **تأملاتی پیرامون آزادی بیان؛ حمایت از حق آزادی بیان در رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر**

تألیف و ترجمه: **دکتر مصطفی فضائلی ـ موسی کرمی**

ناشر: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

ویراستار و صفحه‌آرا: نرگس صادقی

طراح جلد: نرگس صادقی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۰۹۴-۳

بهاء: ۱۵۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریمخان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: http://www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

تقدیم به:

آنان که با غلبه بر شیطان و هوای نفس جان خویش را باز یافتند و در هوای آزادی و رهایی انسان از جور ستمگران آن را فدا کردند و در برابر زر و زور و تزویر سر تسلیم فرود نیاوردند...

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفاء می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانون‌گذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه‌بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

کشور ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل‌توجهی در توسعه کمّی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به‌مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی موردنیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه‌بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به‌صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات موردنیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقایان **دکتر مصطفی فضائلی** و **موسی کرمی** در **تألیف و ترجمهٔ** کتاب **تأملاتی پیرامون آزادی بیان؛ حمایت از حق آزادی بیان در رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورداستفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست اختصاری

بخش یکم: تأملاتی پیرامون آزادی و آزادی بیان (دیباچه تفصیلی برگردانندگان) ۱۱

سرآغاز: در هوای آزادی، از برای آزادی ۱۳

مبحث یکم: آزادی و مفهوم آن از نگاه ادیان و در فلسفهٔ سیاسی ۱۷

مبحث دوم: حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر ۴۰

مبحث سوم: محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان ۶۱

مبحث چهارم: انکار هولوکاست؛ جرم یا آزادی؟ ۷۴

مبحث پنجم: پیشینه، ساختار و صلاحیت‌های دیوان اروپایی حقوق بشر ۸۴

سرانجام: دربارهٔ بخش ترجمه و تحقیق و اهداف و انگیزه‌های انجام آن ۱۰۰

بخش دوم: حمایت از آزادی بیان در رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر (ترجمه و تحقیق) ۱۰۷

دربارهٔ نگارنده ۱۰۹

متن مادهٔ ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۱۰

مبحث یکم: ملاحظات کلی راجع به مادهٔ ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۱۵

مبحث دوم: تکالیف ذیل مادهٔ ۱۰ ۱۲۶

مبحث سوم: بیان خارج از دایرهٔ حمایت؛ سخنان تنفرآمیز و تحریک به خشونت ۱۳۱

مبحث چهارم: نظام محدودیت‌ها در اِعمال حق بر آزادی بیان؛ بند دوم مادهٔ ۱۰ ۱۴۲

مبحث پنجم: محدودیت‌های معمول بر آزادی بیان به علت‌های «عمومی» ۱۶۰

مبحث ششم: آزادی بیان و حیثیت ۱۸۳

مبحث هفتم: حقوق دیگران ۲۱۰

مبحث هشتم: آزادی بیان و رسانه‌ها ۲۱۷

مبحث نهم: آزادی بیان و فناوری‌های نوین ۲۴۲

فهرست تفصیلی ۲۵۳

کوته‌نوشت‌ها

ACHR	American Convention on Human Rights
ACHPR	African Charter on Human and Peoples' Rights
CDHRI	The Cairo Declaration on Human Rights in Islam
CRC	Convention on Rights of the Child
ECHRs	European Convention on Human Rights
ECtHR	European Court of Human Rights
EComHR	European Commision of Human Rights
GC	Grand Chamber
HRC	Human Rights Committee
ICCPR	International Covenent on Civil and Political Rights
OAS	Organization of American States
UDHR	Universal Declaration of Human Rights

بخش یکم:

تأملاتی پیرامون

آزادی و آزادی بیان

(دیباچه تفصیلی برگردانندگان)

سرآغاز:
در هوای آزادی، از برای آزادی

«و لَا تَکُنْ عَبْدَ غَیْرِکَ وَ قَدْ جَعَلَکَ اللَّهُ حُرّاً؛
«بندهٔ دیگری مباش، حال‌آنکه خداوند
تو را آزاد آفریده است».[1]

آزادی! این واژه، این اصطلاح و این مفهومِ عجیب ولی دیرآشنا، در درازنای تاریخ، چه جان‌ها که نبخشیده و چه جان‌ها که نستانده است. از سویی، بشر هرگاه آزاد بوده و به آزادگی رسیده، جان گرفته، شکوفا شده و بالیده و هر دم آزادی را به زنجیرش کشیده‌اند و انکارش کرده‌اند، آدمی جان داده، سرکوب گردیده و خمیده است. از سوی دیگر، چه مردان و زنان و چه بزرگان و کریمانی که در هوای آزادی، با سودای آن و برای پاسداری‌اش و رهانیدن این مایهٔ زندگی معنوی از چنگال زنجیربافانِ برده‌خواهِ ضحاک‌خوی، جانِ خویش را فدا ننموده‌اند. آری! آزادی هم جان می‌دهد، هم جان می‌ستاند؛ نخست با بودنش، دیگر بار با نبودنش. گزافه نیست اگر بودن و هستیِ آدمی را، به‌مثابه جانشین آفریدگار یکتا بر روی زمین، وابسته به آزاد بودن و آزاد زیستن او بدانیم. به این اعتبار، انسان اگر آزاد نباشد، اگر نتواند برگزیند، اگر در بند باشد، گویی که نیست؛ نفس می‌کشد، می‌خوابد، می‌خورد، می‌نوشد، زیست دارد، ولی زنده نیست، زندگی نمی‌کند. به دیگر سخن، موجودِ دوپایی که آزاد نباشد و آزادگی پیشه نسازد، در اسم هرچه باشد، در رسم بی‌گمان انسان نیست. باری! «آزاد نبودن» برای انسان،

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، *نهج‌البلاغه*، محقق: صبحی صالح (قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.)، چاپ اول، ۴۰۱.

به‌معنای «نبودن» است.[۱] اهمیت آزادی تا جایی است که پیامبران و پیشوایان الهی نیز برای گسستن زنجیرِ ستمگران، زورگویان و مستکبران از روح و جان آدمیان، مأمور شده‌اند.

هر موجود زنده برای رسیدن به رشد، تعالی و کمال نیازمند تعامل سه عامل عمده و اساسی است: فرایند تربیت، امنیت و آزادی. مجموع این عوامل چرخه‌ای بی‌بدیل برای به کمال رسیدن موجودات زنده است و هرگونه خلل و مانعی در هریک از اسباب مذکور روند رشد و کمال را دچار نقص، انحراف و یا توقف می‌نماید. آزادی گوهر ناب و همزاد آدمی است. انسان آزاد متولد می‌شود و باید آزاد زندگی کند و راه و رسم حیات خویش را برگزیند و این موهبت را غنیمت شمارد و از افراط و تفریط بپرهیزد و همواره با آسیب‌شناسی و پایش و پویش آن در حفظ آزادی بکوشد و آن را موردتحقیق و تدقیق قرار دهد. انسان به‌عنوان موجودی مختار، دارای حق و تکلیف است و موهبت آزادی را بیشتر از سایر موجودات زنده مغتنم می‌شمارد و برای دستیابی به آن حتی از جان خویش نیز آگاهانه می‌گذرد و این آزادی است که «سختی جان دادن را بر آدمی هموار می‌سازد.»[۲]

اگرچه در علم منطق از انسان به «حیوان ناطق» تعبیر شده، ولی آنچه آدمی را از دیگر حیوانات متمایز می‌سازد، همان توانایی اندیشه‌ورزی و گزینشِ عقیدهٔ اوست نه قوهٔ سخن گفتنش. البته کسی را رسد که بگوید مراد از نطق نیز همین قدرت اندیشه و تعقّل آدمی است. با وجود این، ازآنجایی‌که انسان موجودی است اجتماعی، اندیشهٔ او نمی‌تواند در قالب و حصار فردی محبوس بماند. همواره از رهگذر تبادل اندیشه‌هاست که میراث‌های فرهنگی و تاریخی نسل به نسل انتقال یافته، مکاتب فلسفی و فکری زاییده شده، تحولات و انقلاب‌های سترگِ اجتماعی پدیدار گشته و بشر امکان آن را می‌یابد که خطاهایش را بازشناسد و در مسیر رفع آنها ره بپیماید. نیل به همهٔ این برآیندها و پیامدها نیازمند آن است که آدمی در ابراز عقاید و نظرهای خویش، از نوعی

---

۱. به تعبیر زنده‌یاد دکتر علی شریعتی: «ای آزادی! تو را دوست دارم، به تو نیازمندم، به تو عشق می‌ورزم، بی‌تو زندگی دشوار است، بی‌تو من هم نیستم، هستم، ولی بی‌امید، سرد، تلخ، بیزار، بدبین، کینه‌دار، عقده‌دار، بی‌تاب، بی‌روح، بی‌دل، بی‌روشنی، بی‌شیرینی، بی‌انتظار، بیهوده، منی بی‌تو یعنی هیچ!». نک: علی شریعتی، *خودسازی انقلابی* (تهران: حسینیه ارشاد، ۲۹ اسفند ۱۳۵۶)، چاپ اول، ۱۱۸.

۲. علی شریعتی، *گفت‌وگوهای تنهایی* (تهران: آگاه، ۱۳۷۱)، چاپ سوم، ۳۶۵.

فراغت بال و آسودگی خاطر برخوردار باشد. لیکن، عرصهٔ فراخ تاریخ، سرشار از کشمکش‌ها، نبردها، جنگ‌ها و جدل‌های دو گروه بوده است. در یک‌سو اندیشه‌ورزان و آزادی‌خواهان و توده‌های حقیقت‌جویی که در راه بیان اندیشه و باور خویش تا مرز نثار جان پیش رفته و در سوی دیگر خودپرستان و زورگویانی که جهل و ناآگاهی ملت‌ها را مایهٔ دوام قدرت خود دانسته و در راه مبارزه با آگاهی مردم و سرکوب اندیشه‌ها از هیچ جنایتی فروگذار نکرده‌اند.[۱]

از همان آغازین روزگارانی که گروهی از مردم با دستیابی به ابزارها و عوامل تجارت و تولید توانستند دست برتر را نسبت به دیگر گروه‌های آدمی از آنِ خود کنند، بهره‌کشی گروهی چیره‌گر از دیگر گروه‌های ناتوان یا کم‌توان در پهنهٔ جوامع بشری پدیدار گشت و رفته‌رفته به سلطه‌گری و فرمانروایی دسته‌ای خودکامه با برنامه‌های گسترده‌ای از ستم، آزار و درازدستی بر محور خواسته‌های سودگرایانهٔ چیره‌گران، منجر گردید. از همین رهگذر است که پیوند میان توده‌های گستردهٔ مردم با طبقات زورمند و فرمانروایان در سراسر گیتی، از خاور گرفته تا باختر، جز در چهارچوب پیوند میان ستمگر و ستم‌دیده، استثمارگر و رنجبر نمی‌تواند درخور بررسی باشد. باربار و جای‌جای، از سوی برخی اندیشه‌گران، فیلسوفان و حتی فرمانفرمایان سخن از گونه‌هایی از «آزادی» به میان آمده است، ولی نه‌تنها مفهوم آن آزادی‌ها حوزهٔ بسیار محدودی را دربرمی‌گرفتند که حتی همان آزادی‌های محدود در بسیاری از موارد تحت شرایطی ویژه و بر بنیاد سیاست‌ها و خواست‌هایی زودگذر و مقطعی موردتوجه بوده است.[۲]

البته، ریشهٔ آزادی را باید در دوران ماقبل تاریخ و در حوزهٔ حقوقی جستجو کنیم. در آن دوران، انسان آزاد ازلحاظ حقوقی با بردهٔ خویش تفاوت داشت. هرجا که نهاد برده‌داری وجود داشت، تعریف آزادی مشکلی به‌بار نمی‌آورد. در این شرایط، آزادی عبارت از «شأن حقوقی انسان‌های آزاد درمقابل بردگان» بود. درحقیقت چنین تعریفی از آزادی، آنقدر روشن، صریح و موردپذیرش عامه بود که کنار نهادن آن و ارائهٔ مفهومی نو و گسترده، به تلاش فکری چشمگیری نیاز داشت. با نگاهی به گذشته می‌توان چنین

---

۱. حمید آیتی، *آزادی عقیده و بیان* (تهران: انتشارات فردوسی، زمستان ۱۳۷۳)، ۱۵-۱۴.

۲. عبدالهادی حائری، *آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران؛ گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سدهٔ واپسین* (مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴)، چاپ اول، ۱۳.

اظهار داشت که آزادی مهم‌ترین عامل حرکت در سراسر تاریخ جهان بوده است.[۱] بی‌گمان، در هر برههٔ تاریخی و در هر مکانی از این جهان، حرکتی عظیم رخ نموده و تحوّلی شگرف پدیدار گشته و در تمامی جنبش‌های دموکراسی‌خواهانه[۲] و برابری‌گرایانه، همواره آزادی و آزادی‌خواهی نقشی محوری ایفاء نموده است. بر این پایه، آزادی و آزادی‌گرایی مفهومی انسانی است و درنتیجه به دین، نژاد، قوم، مذهب و مانند اینها، وابسته نیست. هرکجا که پای انسان و زندگی او در میان است، باید گرایش‌هایی از آزادی‌گروی و آزادی‌جویی را سراغ گرفت.

---

۱. فرانس روزنتال، *مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان*، ترجمه منصور میراحمدی (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۹)،)، چاپ اول، ۱۷-۱۶.

۲. نخستین بارقه‌هایِ دموکراسی در ایران در مفهوم امروزین آن را می‌توان در عصر مشروطه سراغ گرفت. مقطع سرنوشت‌سازی که در تاریخ سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی ـ ادبی سرزمین ایران از آن به نام مشروطه یاد می‌شود (۱۲۸۴ خورشیدی/ ۱۹۰۶ میلادی) را به‌راستی می‌توان نقطهٔ عطفی در سپهر سیاسی ـ حقوقی کشور دانست که در آن تاریخ دیرینهٔ استبداد شاهنشاهی در برابر ارادهٔ ملّی و اندیشهٔ آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی تسلیم شد و برای نخستین بار مجلس شورا افتتاح و قانون اساسی وضع گردید. نک: مهرنور محمدخان، *فکر آزادی در ادبیات مشروطیت ایران* (اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳)، سخن مدیر، یک. این انقلاب بزرگ زمانی رخ داد که ایران به کشوری فراموش‌شده در عرصهٔ بین‌المللی تبدیل شده بود. جهان دیگر به یاد نداشت که ایران همان گهوارهٔ تمدنی است که در دوران *مادها*، *هخامنشیان*، *اشکانیان* و *ساسانیان* فروزندهٔ فرهنگ و تمدن در روزگارانِ تاریکِ تاریخ بود. بی‌گمان این برهه از تاریخ پرفرازونشیب ایران‌زمین، یکی از مهم‌ترین بخش‌های تاریخ این دیار است که بر اوضاع‌واحوال کنونی ما نیز تأثیری مستقیم دارد. نک: بهمن انصاری، *انقلاب مشروطه از آغاز تا انجام* (تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۴)، ۷.

مبحث یکم:
آزادی و مفهوم آن از نگاه ادیان و در فلسفهٔ سیاسی

مسئلهٔ آزادی از اساسی‌ترین بحث‌های زندگی آدمی است که در طول تاریخ حیات بشر موردتوجه بوده است. اهمیت آزادی از آن جهت است که آزادی خواستهٔ همهٔ انسان‌هاست.[1] نقش و اهمیت آزادی در حیات بشری و پویایی اجتماعی موجب شده است که موردتوجه و محل گفت‌وگوی شمار زیادی از ادیان، مذاهب و اندیشمندان در سرتاسر جهان قرار بگیرد. اصل آزادی در جهان جدید معنای تازه‌ای پیدا کرده است و از امور ویژهٔ انسان و از مطلوبات درجهٔ اول به‌شمار می‌آید. هنگامی که از آزادی سخن می‌گوییم، دو معنا را اراده می‌کنیم؛ یکی آزادی به‌منزلهٔ «یک واقعیت» و دیگری آزادی به‌منزلهٔ «یک حق». آزادی در معنای نخست چیزی نیست که کسی آن را به دیگری اعطاء یا از او سلب نماید. ازاین‌رو در فلسفهٔ سیاسی [و عالم حقوق] چندان موردبحث و بررسی قرار نمی‌گیرد.[2]

آزادی در معنای یک واقعیت به‌خودی‌خود موجود است و آدمیان به‌صرف انسان بودن واجد آن هستند و فیلسوفان از آن به‌عنوان «اختیار» یاد می‌کنند. هیچ حکومت و حزبی به پیروان خود «اختیار» اعطاء نمی‌کند. آدمیان به اعتبار انسان بودن «مختار» هستند. شخصیت انسانیِ ما در گرو اختیار است. حکومت‌ها، احزاب و اجتماعات در عمل می‌توانند تجلیِ اختیار آدمی را محدود سازند و اجازه ندهند آدمیان از اختیار خود استفاده و آن را عملی کنند.[3] ولی آزادی به‌منزلهٔ یک «حق» قابل‌اِعطاء یا سلب است.

---

۱. سیّد عبدالله میرغیاثی، «اصل آزادی به‌منزلهٔ یک حق و ظهور جریان‌های فکری در اندیشهٔ سیاسی اسلام»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام* ۴(۴) (زمستان ۱۳۹۳)، ۱۰۹.

۲. همان، ۱۰۹.

۳. همانجا.